

دعا کنید تا دختران سرزمین مان ادامه دهند راه شما باشند

16 تیر 1405

از زمین برایت نامه می نویسم برای تو که در آسمان ها هستی

با این که چند روز از نبودنتان میگذرد هنوز هم هر روز موقع خواندن دعا و قرآن باز به یاد مهربانی شما می افتم

زندگی جریان دارد اما بدون شما سخت می گذرد

ما دهه نودی ها از وقتی چشم باز کردیم که شما بودید . ما امام (رحمت الله) را ندیدیم اما همیشه پدر بزرگ ها و مادر بزرگ هایمان از خاطره ها و رشادت ها و دلیری های امام راحل برای ما سخن گفتند و با شنیدن این خاطره ها اشک در چشمانمان جمع می شد و بی صدا گریه میکردیم .

ما دلمان به شما خوش بود ، شمایی که پدری مهربان بودید ، رهبر بودید ، قهرمان بودید ، اسطوره بودید ، فرمانده ی کل قوا بودید ؛ شما امام ما بودید .

آقا جان کجایید که دست پدری تان را به سر ما بکشید و بگویید: اگر می خواهید آینده ساز این مرز و بوم شوید باید درس بخوانید ، باید تلاش کنید .

آقا جان همه ی افتخارمان این بود که سرباز شما هستیم.

کجایید که وقتی میگوییم « ما همه سرباز تو ایم خامنه ای » ؛ با صدای گرم تان بگویید : من خودم هم سرباز امام زمان (عج) هستم .

آقا جان ، حالا که به آسمان ها رفتید و به رزمندگان شهیدتان پیوستید باید برویم و دوباره شما را از نو بخوانیم ؛ شما را از نو زندگی کنیم .

رهبر عزیزم ! اکنون که به آرزویتان رسیدید و شهید شدید بیشتر حواس تان به ما باشد ؛ دعا کنید تا دختران سرزمین مان با حجاب فاطمی خود ادامه دهند راه شما باشند انشاءالله.

راستی آقا نگفته بودم بچه های تان از ساعت اول رفتنتان با لبانی تشنه پای لانچرها ایستادند . در دل کوه ها ؛ در کنار خروارها خاک شروع کردند به تقاص خون ریخته تان .

آنقدر مستحکم و دقیق که تا چندین ساعت دشمن خیال میکرد شما خود در اتاق فرماندهی جنگ هستید .

راستی آقا جان ! فرزندان تان به انتقام خون شهیدان منطقه دشمن را به آتش کشیدند

دیگر پایگاه و برج سالم برای دشمن نمانده ؛ باید بودید و می دیدید چه خبر است آقا ؛

امت شما روز و شب از عزای شما در خیابان ها هستند و دوباره نام شما را فریاد می زنند: ”لبیک یا خامنه ای”